



مقاله پژوهشی، دوره ۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳، صفحات ۱۴۷-۱۴۹
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱
(DOI) 10.22106/PR.2025.2052690.1040 شناسه دیجیتال

تبیین وضعیت دادخواه خصوصی در دعاوی زیست محیطی در پرتو حقوق عامه

هدیه سادات میرزایی*، سبحان طیبی**

چکیده

امروزه تعامل دوسویه حفظ محیط زیست و مسئولیت افراد نسبت به آن یک تکلیف قانونی و اساسی است. این رویکرد نشان از آن دارد که در سبب این مسئله وضعیت مسئولیت محض کاملاً محرز است و تخطی از آن، رویگردانی از فعل و ترک فعل محسوب شده و جرم تلقی می گردد. از این رو، جایگاه حفاظت محیط زیست به عنوان یک امر مهم و مطلوب محسوب می گردد. این مسئله تا آنجایی اهمیت پیدا می کند که شاخص های قانونی برای آن در نظر گرفته می شود. این شاخص ها ضرورت موضوع را در جبران خسارات زیست محیطی و دعاوی زیست محیطی تشریح و جایگاه دادخواه خصوصی مورد تبیین قرار می دهد. اگرچه هنوز دادخواه خصوصی اشخاص حقیقی در مراجع قضائی نمی تواند ادعای زیست محیطی داشته باشد اما مغایرت کامل با حقوق عامه دارد؛ چرا که نگاه و هدف حقوق عامه به حق شهروندی و حق بر دادرسی شهروندی است. هدف از انجام این پژوهش بررسی جایگاه دادخواه خصوصی در دعاوی زیست محیطی در چارچوب ابزار و مسئولیت است که مورد مذاقه قرار می گیرد. بنابراین، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که جایگاه دادخواه خصوصی حقیقی در دعاوی زیست محیطی در پرتو حقوق عامه چگونه است؟ یافته پژوهش حاضر حاکی از آن است که با تکیه بر قوانین موجود و همچنین قوانین خاص و با عنایت به رویه قضائی، حق بر دادخواهی زیست محیطی ذی نفع خصوصی با تأکید بر جبران خسارت می تواند میسر شود. همچنین احقاق حقوق خصوصی درباره اشخاص حقیقی می تواند با اتکال به حقوق عامه، ضمانات اجرای مناسبی برای تحقق حقوق شهروندی تلقی گردد.

واژه گان کلیدی: ذی نفع خصوصی، حقوق عامه، دادخواهی زیست محیطی، الگوی شاخص.

* استادیار گروه حقوق، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mirtorabi52@ut.ac.ir

** استادیار، گروه حقوق بین الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). sobhantayebi@yahoo.com

مقدمه

دادخواه خصوصی در سطح ملی مطابق قوانین موضوعه ازجمله قانون آیین دادرسی می‌تواند اقدامات حق خواهانه خود را در مراجع قضائی و اداری به سرانجام برساند. در این راستا جایگاه دادخواه خصوصی در برخی موضوعات از جمله مسائل زیست محیطی تقنین نیافته و یا به صورت محدود به آن اشاره شده است. همان‌طوری که می‌دانیم وجود معاهدات بین‌المللی بیشتر به سبب یک راهنما یا یک الگو برای اجرا در سطوح ملی است. لذا نگاه معاهدات بین‌المللی حقوق بشر دقیق‌تر از نگاه قوانین در سطح ملی است. اما دوام و قوام حفظ حقوق انسانی در گرو تقویت عرف و تدوین مقررات مربوطه است. در راستای حفاظت محیط‌زیست و موارد مربوطه، قوانین موضوعه در کشور ما به صورت موضوعی در قوانین خاص و به صورت موردی و جسته و گریخته در قوانین عام بدان پرداخته‌اند. اما این قوانین بحث دادخواهی زیست محیطی را در وهله اول از آن دستگاه‌های مربوطه نظیر سازمان حفاظت محیط‌زیست (ازمنظر اداری) و یا دادستانی (از منظر قضائی) دانسته و در وهله بعد آن هم با واسطه برعهده سازمان‌های مردم‌نهاد و ضابطان قرار داده که این مورد اخیر باز هم مورد بی‌توجهی واقع گردیده است. اما اینکه مقنن اهتمام جدی نسبت به موضوع نشان نداده دلیل بر عدم آن نیست. بلکه رویه قضائی و دکتیرین راهگشای این مهم هستند. هرچند بعضاً دیده می‌شود که برخی دادگاه‌ها در سطح ملی معاهدات را نیز مورد استناد قرار می‌دهند. به عنوان مثال «کنوانسیون لوگانو» می‌تواند مثال مناسبی برای این مهم باشد؛ چرا که این معاهده به روز و کارآمد به سبب اهمیت آن از قلمرو اتحادیه اروپا خارج شده و چهره‌ای جهانی به خود گرفته و نگاهی جامع‌نگر به ممنوعیت تخریب محیط‌زیست، مسئولیت و جبران خسارت، مشارکت و حق آگاهی بر دانستن و داشتن اطلاعات زیست محیطی و همچنین جایگاه دادخواه خصوصی دارد و می‌تواند الگوی مستند و مناسبی برای طرح دعاوی و دفاعیات زیست محیطی محسوب شود. در این راستا رویکرد پژوهشی ما از منظر ملی است و به نظر می‌رسد برای تحقق و ارتقای حقوق عامه می‌بایست دادخواهی ذی‌نفع خصوصی حقیقی در بسیاری از موارد محل اعتنا باشد.

در باب پیشینه‌شناسی پژوهش حاضر، تحقیقاتی انجام پذیرفته که عموماً در این مقاله از آن‌ها به قدر کفایت بهره جسته‌ایم اما به لحاظ رعایت ابعاد اخلاق علمی شایسته است برخی از این منابع که اخیراً منتشر شده و ارتباط مستقیم دارند را عنوان نماییم:

روح اله کریمی و دیگران در مقاله خود تحت عنوان «واکاوی حقوقی دادرسی محیط‌زیستی و نقش دادخواه خصوصی» که سال ۱۴۰۲ در فصلنامه انسان و محیط‌زیست منتشر شده اذعان داشته‌اند

که: ضرورت شناسایی حق دادخواه خصوصی جهت طرح دعاوی و دفاعیات محیط‌زیستی لازم و ظرفیت‌های قانونی بایستی مورد توجه قرار گیرد.

روح اله کریمی و دیگران در مقاله خود تحت عنوان «تحکیم جایگاه دادخواه خصوصی در دعاوی محیط‌زیستی علیه دولت» که سال ۱۴۰۱ در فصلنامه علوم تکنولوژی محیط‌زیست انتشار یافته، آورده‌اند که: مطالبه‌گری اشخاص خصوصی با وضعیت موجود و جایگاه دادخواه خصوصی در دعاوی محیط‌زیستی نزد محاکم و مراجع قضائی و شبه‌قضائی قوت گرفته و در فرازهای قانونی و رویه‌ای تبلور یافته است. اما نوآوری پژوهش حاضر از آن‌رو است که حقوق عامه مدنظر قرار گرفته و دادخواهی زیست‌محیطی اشخاص خصوصی در پرتو حق رسیدن به این مهم مورد توجه واقع گردیده است.

۱. تلقی نمودن دادخواه خصوصی به عنوان ذی‌نفع

به نظر می‌رسد قوانین موضوعه ما اگرچه با خلأهایی روبه‌روست اما می‌توان دادخواه خصوصی را ذی‌نفع در دعاوی زیست‌محیطی دانست؛ چرا که ردپای قانونی این مهم را می‌توان در اثرگذاری مراجع قضائی و شبه‌قضائی در آراء و دستورات ابصداری مشاهده نمود. در این راستا:

اولاً؛ دعاوی مطروحه در کمیسیون‌های مختلف از جمله کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ شهرداری‌ها نشان می‌دهد که اشخاص حقیقی حقوق خصوصی طرح دعوا نموده و کمیسیون هم نسبت به آنان رأی صادر کرده است.^۱

ثانیاً؛ دعاوی متعدد زیست‌محیطی نسبت به موارد مطروحه در حوزه حقوق حیوانات، جنگل و موارد دیگر نیز به نوعی می‌تواند گواه این مسئله باشد.^۲

۱. به عنوان نمونه می‌توان به پرونده ایجاد آلودگی زیست‌محیطی واحد فروش مصالح ساختمانی فضل‌اللهی/یوسفی اشاره کرد. در این پرونده شاکی (بلوی) شهرداری منطقه ۹ تهران به استناد شکایت مردمی اهالی خیابان طوس بین ۲۱ متری جی و یادگار امام به خواسته رفع مزاحمت و ایجاد آلودگی صوتی و آلودگی محیطی با مصالح ساختمانی بوده که پس از بازدید و تذکر کمیسیون، رأی خود را مبنی بر عدم احراز شرایط کارگاهی و مزاحمت همچنین تعطیلی و جمع‌آوری فعالیت واحد اعلام می‌دارد و این رأی به تأیید دادستانی و اجرای آن برعهده دادرسی ناحیه ۷ قرار می‌گیرد. سپس واحد متخلف مصالح‌فروشی فضل‌اللهی در دیوان عدالت اداری شکایت و دیوان به سبب در نظر نگرفتن مهلتی برای واحد متخلف جهت انتقال، رأی را نقض و به کمیسیون هم‌عرض می‌رود.

مجدداً کمیسیون هم‌عرض واحد صفی را ضمن دادن مهلت متخلف دانسته است (طبی، ۱۳۹۲: ۱۴).

۲. به عنوان نمونه شکایت از اداره محیط‌زیست به علت ورود گرگ به محل شتر مرغ‌ها که توسط دادخواه خصوصی شخص حقیقی مطرح گردیده و دیوان عدالت چنین رأی داده است: «خواسته آقای (الف.ت.) به ظرفیت اداره محیط‌زیست شهرستان اهر تصدیق ورود خسارت به علت تلف سه عدد شتر مرغ توسط گرگ به شرح دادخواست

ثالثاً؛ برخی آراء اگرچه به نفع دادخواه خصوصی صادر نگردیده و یا ارتباط کامل با موضوع دادخواه خصوصی نداشته است، اما چهره‌ای حقوق‌بشمیری داشته که این مهم نشان از شناسایی دادخواه خصوصی به عنوان ذی‌نفع بوده است.^۱

رابعاً؛ به نظر می‌رسد خسارات زیست‌محیطی متعددی در سطح ملی به‌وجود آمده که دستگاه قضا نیز در فکر تخصصی‌کردن شعبات زیست‌محیطی در دادگاه‌هاست. از طرفی قوه مقننه نیز با رعایت و احترام به افکار عمومی حرکات جدی درخصوص ضمانت اجرای قوانین خاص زیست‌محیطی برداشته که نمونه آن تصویب و به‌روزرسانی قوانین از جمله قانون حفاظت از خاک و قانون هوای پاک است. همچنین تخلفات عدیده در حوزه منابع طبیعی و آراء صادرشده از محاکم و تخریب غیرقانونی

تقدیمی می‌باشد. با عنایت به اوراق و محتریات پرونده و پاسخ طرف شکایت به شرح لایحه ثبت‌شده به شماره... نظر به اینکه عدم تعیبه امکانات حفاظتی و فنی‌کشی در محل پرورش شتر مرغ، در ورود گرگ به محل نگهداری شتر مرغ‌های تلف‌شده مؤثر بوده است و ورود خسارت به‌موجب ارتکاب فعل یا ترک فعل خلاف قانون و مستقیم اداره طرف شکایت ایجاد نشده است، لذا شکایت مطروحه غیروارد تشخیص، حکم به رد آن صادر و اعلام می‌دارد. رأی صادره قطعی است. رئیس شعبه ۸ دیوان عدالت اداری» (پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۱: ۲۶۲۱).

۱. به‌عنوان مثال رأیی که در دادگاه تجدیدنظر مازندران صادر شده است: پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۱۵۹۵۲۰۰۲۸۱ شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۱۵۱۷۴۰۱۲۳۲

تجدیدنظرخواه: اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان مازندران با نمایندگی آقای ... به نشانی استان مازندران - شهرستان نکا - شهر نکا - خ انقلاب- ک فرمانداری اداره محافظت محیط‌زیست نکا تجدیدنظر خواننده: آقای ... با وکالت آقای ...

تجدیدنظر خواسته: دادنامه شماره ... مورخه ۹۷/۴/۳۱ صادره دره از شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان نکا با موضوعیت پرداخت دیه بابت ایراد صدمات وارده از سوی یک قلاده خرس به تجدیدنظرخواننده از باب سبب و تسبیب قاضی رستمی در رأی دادگاه تجدیدنظر، استدلال و استنباط نادرست دادگاه نخستین را از چند منظر تحلیل می‌نماید. اول اینکه رعایت حقوق بنیادین شهروندان و امنیت آن‌ها را در چارچوب قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی حائز اهمیت می‌داند. اگرچه ایشان با استنادات قانونی احترام به تمام ابعاد زیست‌محیطی را وظیفه ملی و بین‌المللی می‌دانند. دوم اینکه نگاه دادیار تحقیق در تحلیل جرم حمله‌ورشدن حیوان وحشی را ناقص می‌دانند. سوم اینکه مسئول حفاظت، حمایت و جلوگیری از انقراض نسل آن‌ها در مقابل خطرات احتمالی سازمان محیط‌زیست است. چهارم اینکه دولت‌ها نقش اساسی در حفظ محیط‌زیست دارند. پنجم اینکه صدور هر مجوزی از سوی اداره متبوع دلیلی بر زیر پا گذاشتن تعهدات بین‌المللی نیست. ششم اینکه استنباط دادگاه بدوی از قانون خاص و مقصر جلوه‌دادن حیوان وحشی درست نبوده است. و نهایتاً قاضی تجدیدنظر مستند به مواد ۱۹۷ و ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی با نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته رأی به بطلان دعوی اولیه تجدیدنظرخواننده صادر و اعلام می‌نماید که این رأی وفق ماده ۳۶۵ قانون تأییدشده قطعی است. (اختیار، ۱۴۰۰، ۱-۲).

ساخت و سازها همه نشان از ضرورت ورود دادخواه خصوصی به عرصه دادخواهی است. این یک ضرورت است که برای حفاظت محیط‌زیست بایستی مشارکت و مسئولیت شهروندی بیشتر در نظر گرفته شود و این مسئله در حال حاضر ظرفیت مناسبی در کشور ما دارد. (کریبی، ۱۴۰۱، ۱۷۸)

خامسا: نمونه حفظ حقوق عامه را می‌توان در تبصره دوم ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲ مشاهده نمود که نقش سازمان‌های مردم‌نهاد را در حفظ حقوق عامه مهم به خصوص مسائل زیست‌محیطی و تحقق دادخواهی خصوصی مهم دانسته است.

۲. راهبردها و رهیافت‌های حمایت قضائی از محیط‌زیست

۲-۱. امنیت قضائی

در اجرای بند «ب» ماده ۱۲۰ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۵ و به‌منظور تحقق اهداف بندهای ۶۵، ۶۶ و ۶۷ سیاست‌های کلی قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۴ «سند امنیت قضائی»^۱ طی بخشنامه ریاست وقت قوه قضائیه ابلاغ گردید. این سند ابراز داشته که دستگاه قضا وظیفه حفظ امنیت قضائی در تمام شئون را برعهده دارد. درواقع این سیاست کلی برآمده از وظیفه ذاتی دستگاه قضا و همچنین در مسیر توسعه ساختار قضائی قوام می‌یابد. اصل سوم از قانون اساسی در بند چهاردهم خود بحث امنیت قضائی را مدنظر قرار داده و سیاق آن بیانگر بهره‌مندی از تمام ابزارها جهت تحقق آن است. ازاین‌رو، در سیاست‌های کلی قضائی مصوب ۱۳۸۱ و ابلاغی رهبری نیز بر اصلاح ساختار نظام قضائی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی تأکید شده است. همچنین، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، بهره‌مندی از امنیت قضائی را از ویژگی‌های جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز، برشمرده است.

در بخش اول ماده یکم این سند، هدف امنیت قضائی را رسیدن به عدالت قضائی برشمرده که اثر آن ایجاد اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضائی است تا در چارچوب آن، اشخاص از آسودگی خاطر و احساس امنیت در تضمین و احقاق حقوق و آزادی‌های خود برخوردار شوند. بخش دوم این سند به حقوق عامه شهروندی مربوط به امنیت قضائی می‌پردازد و در ماده نهم حق دادخواهی و دسترسی به مراجع قضائی مورد توجه قرار داده و بیان کرده است که دادخواهی حق هر شخص است و اعمال هرگونه ممانعت، محدودیت و تبعیض در احقاق حق ممنوع است. دسترسی آسان به مراجع صالح قضائی، شبه‌قضائی، انتظامی و اداری حق بنیادین هر شخص است و قوه قضائیه باید مراجع قضائی را در نواحی از شهر مستقر نماید تا به سهولت در دسترسی شهروندان باشد.

۱. بخشنامه رئیس قوه قضائیه درخصوص سند امنیت قضائی- مصوب ۱۳۹۹/۷/۱۶

همچنین در ماده چهاردهم این سند به احیای حقوق عامه پرداخته و عنوان نموده که احیای حقوق عامه یکی از وظائف قوه قضائیه در بند دوم یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی است. این قوه در مرحله تصمیم‌سازی و صدور مصوبات قضائی و مراجع فراقوه‌ای که در آن عضویت دارد، برای حفظ حقوق اساسی مردم موضوع اصل نوزدهم تا چهل و سوم قانون اساسی، مانند تأمین امنیت با سلامت و بهداشت عمومی و با حمایت از تولیدات داخلی و با حقوق مصرف‌کنندگان در تصمیمات مراجع مذکور اهتمام لازم را خواهد داشت. چنانچه پیش‌بینی شود حقوق و آزادی‌های بخشی از مردم ناگزیر نقض یا تحدید شود باید قبل از هر اقدامی از وجود تضمین‌های کافی برای تأمین خسارات وارده اطمینان حاصل شود. در صورتی که حقوق بخشی از مردم با منافع عمومی در قالب نظم و اخلاق عمومی، سلامت عمومی، امنیت عمومی و رفاه جمعی برخلاف قانون نقض گردد، دادستان به موجب ضوابط قانونی و با مطالبه عمومی وارد عمل می‌شود و اقدامات لازم و ضروری را در جهت احیای حقوق نقض‌شده، انجام می‌دهد. دادستان در صورتی می‌تواند با استناد به احیای حقوق عامه عمل کند که موجب اختلاف در تصمیمات و وظایف مدیریتی دستگاه‌های اجرایی در چارچوب قوانین و مقررات نشود و ورود وی ضروری، موجه، متناسب و مطابق قانون باشد. (رمضانی قوام‌آبادی، جرادمنش، ۱۳۹۵: ۷۶)

در ماده پانزدهم تحت عنوان قاعده تسلیط یا حق مالکیت مشروع، قوه قضائیه بر حفظ حقوق مادی و معنوی مالکیت فکری شهروندان اهتمام می‌ورزد. در این راستا، حق اشخاص در دسترسی و یا تملک منابع طبیعی در حدود قانون و با تعهد به حفظ و بقای منابع و بدون ورود خسارت به محیط‌زیست و میراث مشترک ملی و انسان است و چنانچه تصرفات مذکور غیرقانونی یا مخل به محیط‌زیست یا تخریب میراث فرهنگی و تاریخی باشد یا مغایر و مزاحم حقوق قانونی دیگران باشد مقابله با آن از وظایف دستگاه قضائی و انتظامی است. در این راستا نظم‌خواهی وجدان آگاه ذی‌نفع و دادخواه خصوصی را می‌طلبید و در ماده شانزدهم در پرتو اصل جبران خسارت ابراز داشته خساراتی که به سبب اقدامات یا بی‌توجهی یکی از مقامات رسمی در جهت خلاف حقوق قیدشده در قانون اساسی با سایر قوانین و مقررات وارد می‌شود، علاوه بر مواردی که به‌طور خاص جبران آن در قوانین کشور، پیش‌بینی شده است، باید در قالب قواعد عام مسئولیت مدنی از سوی دولت یا شخص مقصر جبران شود. (کریمی، ۱۴۰۱: ۲۰۲)

۲- راهبردها و رهیافت‌های حمایت قضائی از محیط‌زیست

۱- امنیت قضائی

در سال ۱۳۹۹ طی بخشنامه ای «سند امنیت قضائی^۱» با رویکرد تأکید بر وظایف ذاتی دستگاه قضا، توسعه

۱. بخشنامه رئیس قوه قضائیه در خصوص سند امنیت قضائی - مصوب ۱۳۹۹/۷/۱۶

ساختار دستگاه قضا، توسعه همه‌جانبه تضمین فرایندهای قضائی در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی، صیانت از حقوق شهروندی و تعالی حقوق قضائی توسط ریاست وقت قوه قضائیه ابلاغ گردید. این سند در چارچوب سیاست‌های کلی نظام، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه ششم توسعه مصوب ۱۳۹۵ بوده که آثار اجرایی آن نیز در سند برنامه هفتم توسعه مصوب ۱۴۰۳ دیده می‌شود. در بخش ابتدایی، این سند هدف امنیت قضائی را رسیدن به عدالت قضائی برشمرده که اثر آن ایجاد اعتماد شهروندان به قانون و نظام قضائی است تا در چارچوب آن اشخاص از آسودگی خاطر و احساس امنیت در تضمین و احقاق حقوق و آزادی‌های خود برخوردار شوند. بخش دوم این سند به بحث اصلی و رویکرد مهم این پژوهش که همانا حقوق عامه شهروندی و امنیت قضائی بوده پرداخته و در ادامه ماده نهم حق دادخواهی و دسترسی به مراجع قضائی را مورد توجه قرار داده و گفته است که دادخواهی حق هر شخص است و اعمال هرگونه ممانعت، محدودیت و تبعیض در احقاق حق ممنوع است. دسترسی آسان به مراجع صالح قضائی، شبه‌قضائی، انتظامی و اداری حق بنیادین هر شخص است و قوه قضائیه باید مراجع قضائی را در نواحی از شهر مستقر نماید تا به سهولت در دسترسی شهروندان باشد. همچنین در ماده چهاردهم این سند به احیای حقوق عامه پرداخته و بیان داشته که احیای حقوق عامه یکی از وظایف قوه قضائیه است که در بند دوم اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی لحاظ شده است. این سند بسیار مهم بر عملکرد دستگاه قضا نسبت به تضمین حقوق عامه تأکید داشته و منافع عمومی در قالب نظم و اخلاق عمومی، سلامت عمومی، امنیت عمومی و رفاه جمعی را مدنظر قرار داده و اذعان داشته که دادستان به موجب ضوابط قانونی و یا مطالبه عمومی وارد عمل می‌شود و اقدامات لازم و ضروری را در جهت احیای حقوق نقض شده انجام می‌دهد. دادستان در صورتی می‌تواند با استناد به احیای حقوق عامه عمل کند که موجب اختلاف در تصمیمات و وظایف مدیریتی دستگاه‌های اجرایی در چارچوب قوانین و مقررات نشود و ورود وی ضروری، موجه، متناسب و مطابق قانون باشد. (معضانی قوام‌آبادی، جوادمنش، ۱۳۹۵، ۷۶) همچنین در فراز ماده پانزدهم تحت عنوان قاعده تسلیط یا حق مالکیت مشروع، قوه قضائیه بر حفظ حقوق مادی و معنوی مالکیت فکری شهروندان اهتمام می‌ورزد. در این راستا نظم خواهی وجدان آگاه ذی‌نفع و دادخواه خصوصی را می‌طلبد و در ماده شانزدهم در پرتو اصل جبران خسارت ابراز داشته خساراتی که به سبب اقدامات یا بی‌توجهی یکی از مقامات رسمی در جهت خلاف حقوق قیدشده در قانون اساسی یا سایر قوانین و مقررات وارد می‌شود، علاوه بر مواردی که به‌طور خاص جبران آن در قوانین کشور، پیش‌بینی شده است، باید در قالب قواعد عام مسئولیت مدنی از سوی دولت یا شخص مقصر جبران شود. (کریمی، ۱۴۰۱، ۲۰۲)

۲-۲. حمایت قضائی

در جوامع امروزی که حقوق تضمین‌کننده منافع عامه است و حدود مسئولیت افراد و حق و تکلیف

ایشان را تعیین می‌کند، می‌بایست برای حمایت حقوقی از محیط‌زیست گام‌های مؤثری برداشت. ازاین‌رو علاوه بر اینکه تحقق دادخواهی یک اصل است، اگر در مسیر صحیح قرار گیرد یقیناً زیان‌زننده و زیان‌دیده در راه جبران خسارت گم نمی‌شوند و عملاً سردرگمی برای شهروندی به جود نمی‌آید و دادرسی واقعی صورت می‌پذیرد. (نهرینی، ۱۳۹۴: ۴) در این راستا؛ اول: با بررسی قوانین زیست‌محیطی دیده می‌شود که این چارچوب‌های قانونی جمیع رویکردهای اجتماعی را در نظر دارد اما نوک پیکان بیشتر به سمت اشخاص حقیقی و حقوقی حقوق خصوصی است و نوک این پیکان خیلی سخت به سمت دولت می‌رود. این در حالی است که دولت‌ها به غایت وظایف سنگین‌تری نسبت به حفظ محیط‌زیست دارند. صراحت قانون در حفاظت محیط‌زیست در اصل ۵۰ کاملاً مصرح است. اما سایر مقررات به‌جای قاطعیت، بیشتر در ارائه فرامین سخت‌گیرانه احتیاط کرده‌اند.^۱ دوم: مبنای برگزیده توسط مقنن در خصوص مسئولیت مدنی، مبنایی نیست که مفید به حال محیط‌زیست باشد. در قانون، مسئولیت مدنی صرفاً از دیدگاه خسارت وارده به اشخاص بررسی شده و در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مقنن نظریه تقصیر را ملاک قرار می‌دهد و مسئولیت اصلی را به‌عهده کارمند دولت قرار می‌دهد مگر آنکه خسارت مستند به نقص وسایل و ادارات باشد. مضافاً بر اینکه در مورد اعمال حاکمیتی که موجب خسارت به اشخاص گردیده است، قانونگذار دولت را مجبور به جبران خسارت ندانسته است. دراین میان هیچ سخنی از آسیب و خسارت واردشده به طبیعت و محیط‌زیست به میان نیامده است. با وجود چنین سکوت قانونی مسلماً خواننده دولتی در دادگاه با این استدلال که یکی اینکه خسارت وارده به شخص نبوده و دیگر اینکه در مقام اعمال حاکمیت بوده است تیرنه خواهد شد. این مبنا هیچ حمایتی از محیط‌زیست به دست نمی‌دهد. سوم: مبنای برگزیده توسط مقنن در مورد خطای کارمندان در قانون مسئولیت مدنی مفید به حال محیط‌زیست و حمایت از آن در مقابل تخریب نیست. دولت باید مسئولیت اعمال شخصی کارمندان و مدیران خود که در حیطه وظایف اداری موجب ورود آسیب به محیط‌زیست می‌شوند را نیز عهده‌دار گردد. دولت می‌بایست به‌طور مستقیم و اولیه مسئول جبران این‌گونه خسارات نیز باشد و در مرحله دوم حق رجوع به کارمند متخلف را برای جبران خسارت خود داشته باشد؛ چرا که در غیر این صورت مسئول اصلی پرداخت غرامت به‌طور کلی و غرامت زیست‌محیطی به‌طور خاص کارمندی خواهد بود که احتمالاً معسر است.

۱. به‌عنوان مثال ماده ۱ قانون منسوخ نحوه جلوگیری از آلودگی هوا صرفاً اقداماتی را که منجر به آلودگی هوا می‌شد برای کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و دستگاه‌ها و مؤسسات ممنوع اعلام کرده بود بی‌آنکه ضمانت اجرای تخلف از آن را بیان دارد.

باین وصف و با عنایت به قوانین داخلی باید گفت در وضعیت فعلی امکان طرح دعوی زیست‌محیطی علیه دستگاه‌های دولتی به‌طور محدود از جانب نهادهای عمومی غیردولتی زیست‌محیطی و همچنین نهادهای دولتی مسئول حفاظت از محیط‌زیست و همچنین اشخاص حقیقی وجود دارد. لیکن هر یک از این اشخاص امکان طرح نوع خاصی از دعاوی را در مراجع خاص دارند که به شرح ذیل است:

الف) دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های وابسته و نهادهای عمومی غیردولتی حافظ محیط‌زیست من‌جمله شهرداری، سازمان حفاظت محیط‌زیست، اداره منابع طبیعی، شرکت سهامی شیلان، سازمان بنادر و کشتیرانی و... امکان طرح دعاوی زیست‌محیطی حقوقی به‌طور مطلق علیه متخلفین دولتی که موجب بروز آسیب به محیط‌زیست شده‌اند را دارند. (شادمان حقیقی، ۱۳۹۵، ۶۷)

ب) سازمان‌های مردم‌نهاد^۱ نیز می‌توانند به‌عنوان خواهان یا شاکی دعوی زیست‌محیطی به دادگاه صالح مراجعه نموده و درخصوص آسیب‌های زیست‌محیطی که توسط دستگاه‌ها یا شرکت‌های دولتی به طبیعت وارد آمده است درخواست رسیدگی و صدور حکم نمایند. البته این حق اگرچه صریحاً در قانون ذکر نشده است از اصول قانون اساسی و مواد قانونی مختلف به‌ویژه قانون جدید آیین دادرسی کیفری قابل استنباط است.

پ) اشخاص حقیقی در حقوق داخلی نیز می‌توانند نسبت به طرح دعاوی زیست‌محیطی اقدام کنند که از رهگذر اقدام متناقض متحمل زیان و ضرری شده باشد. در حالی که مطالعه دعاوی مطروحه در دیوان عالی ایالات متحده حکایت از آن دارد که حقوق این کشور در مجموع حامی طرح دعاوی زیست‌محیطی با موضوع منفعت عمومی از جانب اشخاص حقیقی و نهادهای جامعه مدنی دارد. (جم، ۱۳۸۷: ۹۶) همچنین در سیستم قضائی هند تمامی افراد اعم از اشخاص حقیقی و با حقوقی حق اقامه دعاوی زیست‌محیطی را بدون آنکه دعوی مرتبط با خسارتی مستقیم باشد دارند و افراد به‌عنوان مدعی‌العموم در این راستا راهی دادگستری می‌شوند بی‌آنکه خود جزء متضررین اصلی باشند. در حالی که قوه قضائیه ایران در مورد نظارت بر اجرای به‌موقع قوانین و مقررات مربوط به احداث جایگاه‌های گاز طبیعی و فرایند گازسوزشدن خودروهای عمومی دولتی عملکرد مناسبی ندارد به‌طوری که هنوز در سطح معابر شاهد تردد اتوبوس‌های بسیار آلاینده هستیم. (یار ارشدی، ۱۳۸۴: ۱۲)

بنابراین ماهیت دعاوی زیست‌محیطی که امکان طرح آن علیه دولت‌ها در حقوق داخلی وجود دارد

۱. مطابق تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون جدید دیوان اصلاحی ۱۴۰۲

را باید محدود به دعاوی حقوقی دانست. (کریمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۴۹) در این میان این دعاوی را با دو نوع خواسته کلی می‌توان طرح نمود. یکی خواسته‌های حمایتی از محیط‌زیست که جنبه پیشگیری از تخریب محیط‌زیست و توقف عملیات مخرب را دارد. دیگری خواسته‌های جبرانی که پس از بروز آسیب زیست محیطی در صدد الزام دولت به جبران خسارت وارده است. در خصوص دعاوی کیفری نیز به‌رغم پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در حقوق داخلی تصریح قانونی به امکان طرح دعاوی کیفری علیه یک دستگاه دولتی وجود ندارد. صرفاً سازوکارهای شکایات اداری دیوان عدالت اداری آن هم در مورد خاص وجود دارد.

۲-۳. حمایت قضائی از محیط‌زیست در راستای حقوق عامه در پرتو طرح پیشنهادی

با عنایت به موارد مطروحه در راستای غنای نظام حقوقی داخلی محیط‌زیست، «طرح جامع حمایت قضائی از محیط‌زیست» می‌تواند اثربخش باشد.

۱- پیشنهاد به قوه مقننه؛ برای تشکیل کمیسیون حمایت قضائی از محیط‌زیست در مجلس شورای اسلامی با دستور کارهای ذیل وارد عمل گردد:

الف) بررسی میزان انطباق قوانین داخلی با کنوانسیون‌های زیست محیطی که می‌توانند در دعاوی زیست محیطی داخلی و بین‌المللی علیه دولت مورد استناد قرار گیرند.

ب) نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات زیست محیطی داخلی و بین‌المللی از دیدگاه کنوانسیون‌هایی که ایران به عضویت آن‌ها در آمده است که عدم حسن اجرا می‌تواند زمینه مسئولیت زیست محیطی دولت را فراهم آورد.

ج) بررسی و تحلیل کنوانسیون‌های زیست محیطی که ایران به عضویت آن‌ها در نیامده و نهایتاً ارائه گزارشی به مجلس و پیشنهاد به دولت جهت مزایا و معایب عضویت در این کنوانسیون‌ها (قلیاده، ۱۴۰۱: ۱۲)

د) برگزاری جلسات علمی در مورد احیای بخش‌های تخریب‌شده محیط‌زیست ایران من‌جمله دریاچه ارومیه.

ه) ارائه یک پیش‌نویس درخصوص آیین دادرسی و رسیدگی به جرایم زیست محیطی و تعیین مجازات‌های سنگین برای اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی و عمومی که به محیط‌زیست آسیب وارد می‌کنند. در این قوانین بایستی به صراحت مسئولیت حقوقی دولت نسبت به حفاظت از محیط‌زیست و ضمانت اجرای نقض آن مورد بحث قرار گیرد. (مشهدی، ۱۳۹۵: ۲۱)

۲- پیشنهاد به قوه قضائیه؛ برای تشکیل دادگاه و دادسرای جرایم زیست محیطی لاقلاً یک شعبه در

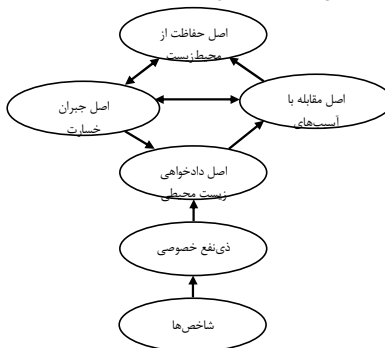
هر مرکز استان و تشکیل دادگاه حقوقی راجع به دعاوی خسارت به محیط زیست اعم از دعاوی علیه اشخاص خصوصی یا عمومی دولتی و وابستگان به دولت، (همتی، ۱۳۹۷: ۴۳)

۳- پیشنهاد به قوه مقننه؛ جهت اصلاح مبنای مسئولیت مدنی در ورود خسارت به محیط زیست و تغییر مبنا به نظریه مسئولیت محض. (صالحی، ۱۳۹۵، ۳۷)

۴- پیشنهاد به قوه مجریه؛ برای تقویت سازوکار کارشناسی و ارزیابی پروژه های عمرانی و شهری که دخیل در سلامت زیست محیطی و بشری جامعه هستند. من جمله بررسی و اقدام مناسب نسبت جلوگیری از انجام برخی فعالیت های غیر اصولی همانند نصب غیر مجاز دکل های مخابراتی و پارازیت های ماهواره ای، استخراج بی رویه از معادن طبیعی و احداث سدهای غیر اصولی که منجر به تخریب بخشی از محیط زیست ملی کشورمان همچون دریاچه ارومیه شده است.

۳. الگوی شاخص

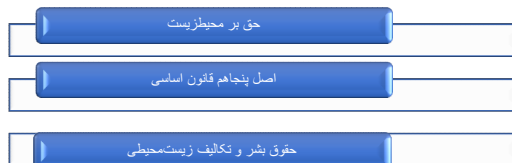
در پرتو مباحث پیش گفته و اینکه ذی نفع خصوصی بایستی دارای حق دادخواهی زیست محیطی در مراجع قضائی باشد، بایستی یک الگوی شاخص در جهت تحقق امر ارائه داد:



۳-۱. شناخت حقوق محیط زیست به عنوان حقوق عامه

حق بر محیط زیست، روایت گر متقن چارچوب حقوق بشر برای سلامت حیات برای انسان و همچنین استانداردهای زیست محیطی است. این حق برآمده از نسل سوم حقوق بشر و در کنار حق بر

صلح و حق بر توسعه انجام یافته است. در این راستا این حق لزوم پابندی کشورها به تعهدات زیست محیطی را یادآور می‌شود. حق بر محیط زیست، علاوه بر تعهد، یادآور تکلیف است که همه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی برعهده‌شان می‌باشد. این مهم در اسناد متعدد بین‌المللی آورده شده و در سطح ملی نیز مطابق اصل پنجاهم قانون اساسی بدان پرداخته شده است.



اما این خلأ قانونی با عنایت به دستورالعمل حقوق عامه به شکل گسترده‌ای با جنبه حمایتی از محیط زیست در چارچوب وظایف قوه قضائیه قرار گرفته است و در اساس این امر منجر به آن گردیده است که مدعی‌العموم به‌عنوان حافظ منافع اجتماعی برای محافظت از حقوق عامه به‌ویژه محیط زیست راهکارهایی را در ماده ۲ آن ارائه داده است:

۱- تعقیب کیفری متهمان ناقض حقوق عامه؛

۲- اقامه دعوی توسط متولی اجرایی؛

۳- جلوگیری از نقض حقوق عامه؛

۴- تدبیر بر پیشگیری؛

۵- مستند به ماده ۱۱۴ ق.آ.د.ک مبنی بر صدور دستور توقف.

مقتن در همین راستا اقدام به تبیین نقش دادستان به‌عنوان حافظ اساسی حقوق عامه نموده است. لازم به ذکر است درخصوص مجازات‌ها و پیگیری‌های حقوقی ناقضان حقوق محیط زیست در سیستم‌های حقوقی مثل فرانسه مجازات‌ها و تدابیر ویژه‌ای حتی از باب اداری پیش‌بینی نموده به‌طوری که در همین کشور مسئولیت کیفری، مسئولیت اداری و تبیهات اداری گسترده‌ای مطرح است. به‌نظر می‌رسد ایراد نهفته در قانون اساسی مبنی بر دوری حقوق محیط زیست از حقوق بشر تا حدی با دستورالعمل نظارت و پیگیری حقوق عامه، بر طرف شده است و سمت و سوی حقوق محیط زیست به مباحث حقوق بشری قوی‌تر گردیده است. این ساختار نوین به‌منظور هماهنگی بیشتر با نظام حقوق همبستگی جریان جدیدی را رقم زده است. شاید بتوان گفت در کلیه نظامات حقوقی ضرورت اساسی برای داشتن محیط زیست سالم، براساس وجود قوانین و مقررات الزام‌آور تعریف می‌شود. (جانی اصفهانی و مشهدی، ۱۴۰۱: ۱۴۷)

۳-۲. به رسمیت شناختن دادخواه خصوصی توسط قانون محل وقوع فعل زیان‌بار یا وقوع خسارت

اساساً بایستی بپذیریم در صورتی که تخریب محیط‌زیست صورت می‌پذیرد یا یکی از مسائل مربوط به آن رخ می‌دهد، ذی‌نفع خصوصی حق دارد در جهت احقاق حق خود اقدام قضائی نماید. به نظر می‌رسد گاهی الگوبرداری صحیح از عملکرد دیگر کشورها نظیر کشورهای اروپایی در این خصوص ایرادی نداشته باشد. درواقع بسترهای قانونی و معاهداتی نشان می‌دهد که ذی‌نفع خصوصی می‌تواند دادخواهی نماید. در قوانین داخلی درخصوص الزامات خارج از قرارداد و قانون مسئولیت مدنی بر این مسئله انگشت تائید نشانه رفته است. شاهد ما ماده ۱۲ قانون هوای پاک است که به نوعی جایگزین ماده ۲۹ قانون جلوگیری از آلودگی هوا شده و اذعان می‌دارد که مسئولان صنایع و کارخانجات سبب‌ساز آلودگی موظف به جبران آسیب وارده به محیط‌زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی بنا بر حکم مرجع قضائی هستند. همچنین مستند به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست هرگونه عمل به آلودگی زیست‌بوم ممنوعیت دارد. این نشان می‌دهد دادخواه خصوصی می‌تواند برای خود حق اقامه دعوی را محفوظ بدارد. (رضایی آهنگرانی و دیگران، ۱۳۹۹، ۵۶)

۳-۳. تلقی مسئولیت محض برای تخریب‌گران

مبنای مسئولیت مدنی در قبال تخریب محیط‌زیست در فقه ما تحت عنوان نظریه احترام به اموال و قاعده لاضرر آمده است. در این راستا قبول مسئولیت محض برای تخریب‌گران محیط‌زیست در چارچوب نظریه احترام اموال و قاعده لاضرر سبب می‌گردد تا دادخواه خصوصی هنگام طرح دعوی نیازی به اثبات تقصیر عامل نداشته باشد. (کریمی و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۹) اگرچه قوانین فعلی تکافوی نیازهای محاکم قضائی در این خصوص را نمی‌نماید اما دستگاه قضا می‌تواند با رویه‌های مستند، زمینه تقویت شکایت‌های زیست‌محیطی را فراهم سازد. در همین راستا با تشکیل شعب ویژه رسیدگی به پرونده‌های زیست‌محیطی متوجه می‌شویم که ذی‌نفع خصوصی می‌تواند در مقام دادخواهی برآید.

۳-۴. استناد معاهداتی

با اذعان به اینکه ایران به معاهدات متعددی پیوسته، لذا در مواقع خلاهای قانونی، معاهدات می‌توانند مورد استناد محاکم قضائی قرار گیرد. چنانکه اخیراً مواردی از این دست را در برخی آراء مشاهده می‌نماییم و این نشان از این دارد که وسعت دید قضات ارجمند بالاست و از طرفی معاهدات به سبب نگاه حقوق بشری‌شان، دادخواهی ذی‌نفع خصوصی را مدنظر قرار می‌دهند. این شاخص نیازمند تقویت و تثبیت است و ضرورت دارد کشور ما در این راستا ساعی باشد. (فقیه حبیبی، ۱۳۹۹، ۳)

۳-۵. نگاه تخصصی به دادخواهی

الف: زمانی که شکایتی از سوی دادخواه خصوصی در حال طرح شدن است، موضوع از طریق یا

به واسطه کارشناسان متخصص در حوزه حقوق محیط زیست و خبرگان مربوطه تحت چارچوب (مکانیسم بررسی) اظهار نظر گردد.

ب: در صورت ورود موضوع، ارزیابی انجام و طی نظریه کارشناسی تصدیق صورت پذیرد.
پ: طرح شکایت ملصق به نظریه کارشناسی در مراجع ذیصلاح انجام پذیرفته و شکایت پیگیری گردد.
در این راستا این راهبرد سبب می گردد ذی نفع خصوصی ضمن آگاهی از شرایط احقاق حق، آگاهی لازم و تبعات مثبت و منفی موضوع را درک نماید. ضمن اینکه این عمل باعث می گردد بازوی مشورتی برای سازمان حفاظت محیط زیست ایجاد شود.

۳-۶. نقش دکترین آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری

منابع مکتوب در دو حوزه آیین دادرسی مدنی و کیفری، نشان می دهد این مقررات زمینه بسیار خوبی برای تشحید اذهان عمومی جهت شناسایی و نفع ذی نفع خصوصی دارد. درواقع این مقررات با شناسایی نفع و ذی نفع و همچنین صلاحیت ها، نشان می دهد که دادخواهی خصوصی امکان پذیر است. هرچند این انتظار می رود دکترین در این قضیه پیش رو باشند.

۳-۷. الزام به کاربرد آیین دادخواهی دسته جمعی

دادخواهی دسته جمعی نیز یکی از راهبردهای اثربخش در تحقق دادخواهی و عدالت خواهی است و درواقع می تواند طرح دعوی توسط نماینده یک گروه ذی نفع خصوصی انجام پذیرد. این مهم برپایه اصل مشارکت و آگاهی است.

۳-۸. پیش دادرسی و دستور موقت

بحث پیش دادرسی می تواند در جهت تحقق دادخواهی خصوصی زیست محیطی اثربخش باشد. همچنین در خصوص دعاوی زیست محیطی و دادخواهی ذی نفع خصوصی، به نظر می رسد دستور موقت و دادرسی فوری بتواند یک نقطه اتکا در این حوزه باشد.

۳-۹. نظارت قضائی بر سازمان های مسئول حفاظت محیط زیست

فارغ از آنکه از منظر تئوریک نظام نظارت صحیح قضائی بر ادارات مبتنی بر الگوی فرانسوی، انگلیسی و یا آلمانی مبتنی بر نظارت از درون قوه مجریه، مستقل از آن و یا تلفیقی از این دو رویکرد باشد، از منظر حقوق محیط زیست نظارت قضائی به مانند سایر اشکال نظارت در خدمت اهداف آن بوده و آنچه در نظارت بر سازمان های مسئول حفاظت از محیط زیست اهمیت بیشتری دارد کارآمدی آن است. براین اساس آنچه مطلوبیت دارد اعمال اصولی است که در هر نوع ساختار نظارتی بتواند اهداف حقوق محیط زیست و توسعه پایدار را محقق سازد. مؤلفه ای که نظارت قضائی مطلوب را باید

در ارتباط بین مشارکت عمومی و نظارت قضائی جستجو نمود. مشارکت عمومی در این حوزه می تواند به معنای اموری از قبیل مشارکت مستقیم اشخاص حقیقی و یا تشکل های مردم نهاد در فرایند این نحوه نظارت تلقی گردد. مشارکتی که لازمه آن حق دادخواهی و اعمال قدرت قضائی بر سازمان موصوف است. (درویشوند و دیگران، ۱۴۰۰، ۳۴)

بدیهی است حق و نفعی که جنبه عمومی دارد می بایست واجد خصیصه دادخواهی توسط آحاد ملت نیز باشد. به تعبیر دقیق تر زمانی حق معنای واقعی خود را می یابد که قابلیت دادخواهی داشته باشد و یکی از آثار حق قابلیت مطالبه آن از طریق سازوکار قضائی و قانونی است. لذا آن گاه که سخن از حق بر محیط زیست سالم به میان می آید به تبع آن حق مطالبه آن به صورت مختلف من جمله قضائی قابل تصور است و تضمین این حق مستلزم برقراری سازوکاری است که اقدامات مرتبط برای حمایت و حفاظت را ممکن کند و افزایش دهد. (انصاریان، ۱۳۹۸، ۵۵)

به طور کلی مشارکت عمومی در نظارت قضائی بر این سازمان ها بر مبنای قانون دیوان عدالت اداری در دو حالت قابل تصور است. حالت نخست مطالبه ابطال مصوبات، نظیر بخشنامه ها، دستورالعمل ها، آیین نامه ها و... صادره توسط سازمان های مسئول است که در این خصوص تفاوتی میان سازمان های مسئول حفاظت از محیط زیست و سایر ارگان ها وجود ندارد و در هر دو این حالات هر شخصی فارغ از ذی نفع مستقیم یا غیر آن حق طرح دعوی نزد هیئت عمومی دیوان عدالت اداری را داشته و این برداشت باتوجه به تلقی از عبارت «هر کس» اصل ۱۷۰ قانون اساسی قابل استنباط است. حالت دوم امکان شکایت از تصمیمات سازمان های مختلف من جمله سازمان های مسئول حفاظت از محیط زیست که با عنایت به ماده ۱۷ قانون دیوان عدالت اداری و ضرورت ذی نفع بودن شاکی در دعوی مذکور به نظر می رسد نمی توان امید چندانی به این نحوه نظارت قضائی از سوی مردم داشت. این در حالی است که با عنایت به اصل پنجاهم قانون اساسی و عمومی بودن حق بر محیط زیست سالم به وضوح می توان دریافت که هرگونه رفتار زیان بار نسبت به محیط زیست بی شک زیانی است که به آحاد افراد جامعه وارد گردیده و می توان هر فرد از ملت را زیان دیده ای مستقل تصور نمود. چنین برداشتی به منزله توسعه مفهوم ذی نفع و فراترفتن آن از صرف زیان دیده خصوصی است. چنین توسعه ای در مفهوم ذی نفع از سویی دیگر مستلزم حمایت از نفع نوعی در مقابل نفع شخصی است و اینکه معیار احتمال عقلایی نفع را جایگزین مستقیم و بالفعل بودن نفع سازیم.

۳-۱۰. متولی گری نهادهای متولی

در قانون مدیریت خدمات کشوری در بند یازدهم از ماده هشت ابراز نموده که حفظ محیط زیست و منابع طبیعی برعهده حاکمیت است. از این رو، نهادهای متعددی تولید حفاظت از این موهبت الهی

را برعهده دارند. ضرورت این تولید از آن روست که نقش سیاستی و اجرای قواعد در تضمین سلامت زیست بوم بسیار اثربخش و تاثیرگذار است. (زابولی زواره و مشهدی، ۱۴۰۰: ۱۳۹) لذا در شرایط پیش رو سازمان حفاظت از محیط زیست می تواند زمینه اثرگذاری اشخاص خصوصی حقیقی را در روند حفاظت از محیط زیست تقویت نماید. به نظر می رسد سازمان حفاظت محیط زیست، وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگل ها و مراتع و سازمان شیلات و سازمان حفظ نباتات)، وزارت نیرو، وزارت صنعت و معدن و تجارت، وزارت راه و شهرسازی (سازمان هواشناسی و سازمان بنادر و دریانوردی) و وزارت نفت نقش مؤثری درخصوص به رسمیت شناختن ذی نفع خصوصی می توانند داشته باشند.

۳-۱۱. جمع سپاری

یکی از ابزارهایی که می توان در مدیریت و هنجارسازی مؤثر محیط زیست مورد استفاده قرار داد، به کاربردن روش «جمع سپاری» در حوزه های مختلف محیط زیستی است. این ابزار یا روش، که آن را در حوزه های متفاوت علمی و تجاری می توان به کار گرفت، امکانی فراهم می آورد تا اشخاص با پایگاه، دانش، تجربه و نگاه های متفاوت در موضوع خاصی مشارکت نمایند. جمع سپاری بر این معنا استوار است که گروه های مردمی نه تنها می توانند تصمیمات هوشمندانه ای بگیرند، بلکه حتی نسبت به گروه کوچکی از متخصصان یا باهوش ترین افراد در آن، نتایج بهتری به دست می آورند. به نظر می رسد می توان در مسائلی از جمله: به اشتراک گذاشتن و دستیابی عموم افراد به اطلاعات محیط زیستی، جمع آوری داده های محیط زیستی، ایجاد فضایی جهت بررسی و تحقیقات جامع و دقیق درخصوص مشکلات ناشی از فناوری ها و پدیده های نوین و تأثیرات آن بر محیط زیست متشکل از دانشمندان فعال در حوزه علمی مربوطه، ایجاد فضایی جهت تبادل نظر در خصوص تحقیقات انجام شده و تصمیم گیری گروه های متخصص یا عموم مردم در مسائل پیش رو، مشارکت جمعی درخصوص پیش بینی های مربوط به آینده محیط زیست و انتخاب رویکردهای احتمالی در پاسخ به تحقق هر یک از پیش بینی ها، از جمع سپاری بهره برد. اگرچه بررسی چگونگی و جزئیات چنین امری در مقاله حاضر نمی گنجد و بایستی به طور مبسوط و جزئی در تحقیقات آتی مورد استفاده قرار گیرد، منتها آنچه روشن است آنکه با بررسی دقیق و عمیق زوایای موضوع می توان از روش جمع سپاری برای تحقق هرچه کامل تر مدیریت و هنجارسازی مؤثر محیط زیست بهره برد. (Ghasemi, Tayebi, 2022: 123) این شاخص زمینه بسیار مہیایی است تا ذی نفع خصوصی در پرتو دادخواهی زیست محیطی مورد شناسایی واقع گردد. این شیوه یکی از شیوه های نوین است که هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی قابلیت گسترش دارد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به موضوع ذی‌نفع در متن و سیاق مواد قانون آیین دادرسی مدنی و بالطبع شناسایی ذی‌نفع خصوصی و همچنین حق‌های استادی قانونی از جمله حق بر محیط‌زیست سبب گردیده تا به تکاپوی نظام حقوقی و مقرره‌های موجود تقدی نهاده شود. ما اعتقاد داریم که با عنایت به اصل پنجاهم قانون اساسی، عالی‌ترین قانون موجود در کشور، بر اهمیت حفاظت از محیط‌زیست تأکید کرده است و با کسانی که تهدیدی برای آن محسوب شوند برخورد می‌شود. در این راستا، مسئولیت از منظر داخلی مورد توجه واقع می‌شود و جبران خسارت نیز در سطح ملی بایستی انجام پذیرد و منشأ زیان بایستی مرتفع شود.

در ادامه باتوجه به نظام حقوقی حفاظت از محیط‌زیست و ساختارهای موجود، به‌نظر می‌رسد در چارچوب حقوقی، اشخاص حقیقی و حقوقی با عنایت به قوانین مدنی و آیین دادرسی مدنی و مکمل قراردادن قوانین خاص زیست‌محیطی در جبران خسارت، حق بر دادخواهی ذی‌نفع خصوصی قابل شناسایی و شخص حقیقی و حقوقی که خسارت وارد ساخته، ملزم به پرداخت غرامات به خسارت‌دیدگان است. درواقع وجود رویه‌های قضائی یک فرصت و از جمله چالش‌های پیش روی آن، نقص ساختار قانونی آیین دادرسی مدنی است.

در رویه قضائی و با مطالعه آرای صادره زیست‌محیطی متوجه شدیم که نظام قضائی ایران درخصوص محیط‌زیست و جلوگیری از بروز خسارت و آسیب و به‌ویژه جلوگیری از استمرار آسیب و خسارت به آن با مورد قبول قراردادن پرونده‌های مربوط به محیط‌زیست و صدور آرای عادلانه توانسته است در حوزه مورد نظر مفید واقع شود. ازاین‌رو دادخواهی زیست‌محیطی ذی‌نفع خصوصی محل مذاقه و بحث موضوع ما بوده که براساس تحلیل ضرورت‌های قانونی به فقدان آن پی بردیم و از یک طرف نیز بر وجود ظرفیت‌های قانونی در جهت این اقدام تأکید نمودیم. در این راستا به‌نظر می‌رسد در جهت احقاق حقوق عامه اولاً: ضرورت دارد تا در جهت احیاء و حفظ حقوق عامه و منفعت عمومی و همچنین حق بر دادرسی منصفانه در مسائل زیست‌محیطی، حق بر دادخواهی ذی‌نفع خصوصی مدنظر باشد. ثانیاً: وقتی حق ایجاد می‌شود، دستگاه قضا مکلف است احقاق حق نماید. و براین اساس واردکننده خسارت یا آلوده‌کننده نیز بایستی خسارت را متقبل شود و استثنائی بر آن وجود ندارد. ذی‌نفعان نیز اگرچه حق بر دادخواهی دارند اما این مسئله نبایستی سبب‌ساز سوءاستفاده احتمالی قرار گیرد. به‌نظر بهترین الگوی عملیاتی دراین خصوص همان بررسی موضوعات توسط متخصصان قبل از طرح هرگونه دعوا در مراجع قضائی است که در صورتی که این مهم تأیید شود، اقدام قضائی توسط ذی‌نفع خصوصی باامان خواهد بود و اگر تأیید نگردد، ذی‌نفع خصوصی مستقیماً نمی‌تواند نسبت به این مهم اقدامی انجام دهد و بایستی از سایر طرق قانونی در جهت احقاق حق بکوشد. در این راستا سازوکارهای عملیاتی نیز می‌تواند توسط متولیان امر مهیا و می‌توان از مشارکت عمومی در جهت تحقق هرچه گستره‌تر این مسئله بهره جست.

منابع

۱- فارسی

الف) کتب

- انصاریان، مجتبی (۱۳۹۸)، **حقوق محیط زیست**، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور
- طیبی، سبحان، (۱۳۹۲)، **طرح دعاوی و دفاعیات زیست محیطی**، جزوه درسی دوره دکتری، گروه حقوق محیط زیست، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.

ب) مقالات

- اختیار، (۱۴۰۰)، «رأی دادگاه تجدیدنظر مازندران در پرونده مطالبه دیه بابت صدمات وارده از سوی یک خرس»، سایت خبری اختیار.
- پژوهشگاه قوه قضائیه، (۱۳۹۱)، «شکایت از اداره محیط زیست به علت ورود گرگ به محل شتر مرغ ها»، سامانه ملی آرای قضائی.
- جم، فرهاد (۱۳۸۷)، «دسترسی به عدالت زیست محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعاوی منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا»، نشریه حقوق اساسی، سال هفتم، شماره ۹.
- حائری اصفهانی، شهاب، مشهدی، علی، (۱۴۰۱)، «نگرشی نوین به رابطه حقوق عامه و حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران (رویکردی به مفهوم حق-ادعا)»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۴ شماره ۲.
- حبیبی، علی فقیه (۱۳۹۹)، «خسارت زیست محیطی و نحوه جبران آن در حقوق بین الملل»، پژوهش روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۳.
- درویشوند ابوالفضل، کدخدامرادی کمال، فتاحی زفرقندی علی (۱۴۰۰)، «تضمینات حق دادرسی در نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر نظریه‌های شورای نگهبان»، دانش حقوق عمومی، دوره ۱۰ شماره ۳۴.
- رضایی آهنگرانی، محمدعلی، پورنوری، منصور، پوره‌اشمی، عباس، کریمی، داریوش (۱۳۹۹)، «شاخص‌های حقوقی تشخیص ذی حق در دعاوی زیست محیطی ایران»، **فصلنامه جامع‌شناسی سیاسی ایران**، سال سوم، شماره چهارم پیاپی ۱۲.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و جوادمنش، جواد (۱۳۹۵)، «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی‌نفع در اقامه دعوی زیست محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، **فصلنامه مطالعات حقوق عمومی**، دوره ۴۶، شماره ۴.
- زابولی زواره، فاطمه، مشهدی، علی، (۱۴۰۰)، «امکان‌سنجی تشکیل وزارت محیط زیست در نظام حقوقی ایران»، **فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست**، خرداد، انتشار آنلاین.
- صالحی، محمد (۱۳۹۵)، «مسئولیت ناشی از اقدام علیه محیط زیست در حقوق ایران و آیین دادرسی / احکام دعاوی راجع به مسئولیت زیست محیطی در محاکم قضائی ایران»، **مجله علمی، حقوقی و انتقادی کانون وکلای دادگستری مرکز**، سال شصت و هشتم، شماره ۲۳۵.
- کریمی، روح‌اله، پهلوان‌زاده، عباس، جلالی، حسین (۱۴۰۱)، «تحکیم جایگاه دادخواه خصوصی در دعاوی

- محیط‌زیستی علیه دولت»، مجله علوم تکنولوژی محیط‌زیست، شماره ۵ دوره ۲۴.
- کریمی، روح‌اله، پهلوان‌زاده، عباس، جلالی، حسین (۱۴۰۲)، «واکاوی حقوقی دادرسی محیط‌زیستی و نقش دادخواه خصوصی»، مجله انسان و محیط‌زیست، شماره ۲ دوره ۲۱.
- قلیزاده، نسا (۱۴۰۱)، «واکاوی ابعاد کاستی‌های حقوقی جریان خسارات زیست‌محیطی فرامرزی به اشخاص غیردولتی زیان‌دیده»، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۵ شماره ۱۱.
- مشهدی، علی (۱۳۹۵)، «دولت و محیط‌زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی»، فصلنامه دولت پژوهی، سال دوم، شماره ۸.
- نهرینی، فریدون (۱۳۹۴)، «حق دادخواهی شهروندان و پژواک آن در قانون اساسی»، معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری.
- همتی، مجتبی (۱۳۹۷)، «اقامه دعوی جریان خسارت زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، دوره ۲۳، شماره ۸۱.
- یار ارشدی، محمد، (۱۳۸۴)، «نقش قوه قضائیه در حفاظت از محیط‌زیست»، فصلنامه مدرس، علوم انسانی، دوره ۹ شماره ۳.

پایان‌نامه‌ها

- شادمان حقیقی، محمدحسین (۱۳۹۵)، نقش شهرداری‌ها در حمایت از حقوق زیست‌محیطی شهروندان با تأکید بر قوانین و مقررات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق محیط‌زیست به راهنمایی دکتر علی فقیه حبیبی، دانشکده محیط‌زیست و انرژی، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- کریمی، روح‌اله (۱۴۰۱)، جایگاه دادخواه خصوصی در دعاوی زیست‌محیطی با رویکردی به کنوانسیون لوگانو، رساله دکتری حقوق خصوصی به راهنمایی دکتر عباس پهلوان‌زاده، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد کرج.

منابع خارجی

- Ghasemi, Shadi, Tayebi, Sobhan (2022) Governance and Environmental Regulation in Light of Crowdsourcing, CIFILE Journal of International Law (CJIL), Volume 3, Issue 6.

